

خیابان و خاطره

مسکو

خیابان گورکی: شانزه لیزه مسکو

نوشته آناتول کوب





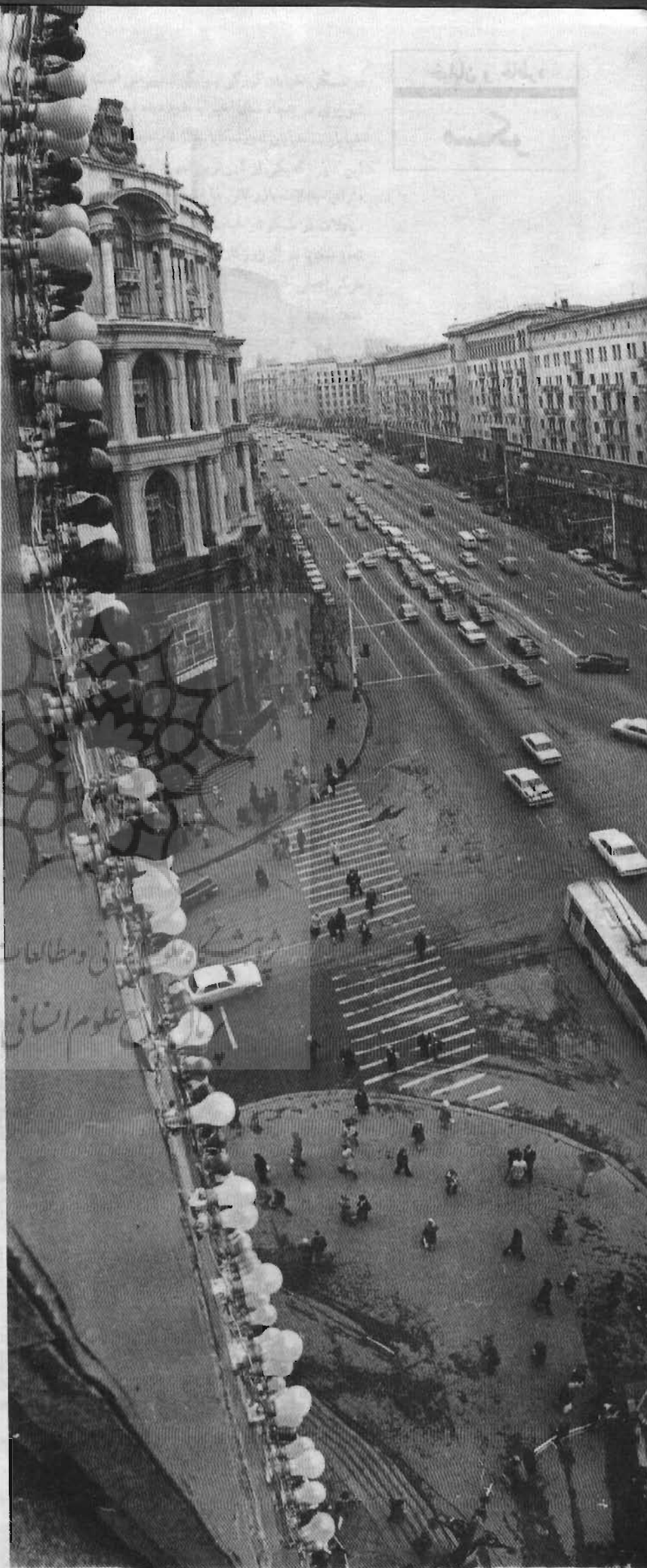
مجسمه یک زوج کارگر یک
مزرعه اشتراکی. مجسمه خیلی
بزرگتر از اندازه طبیعی است.

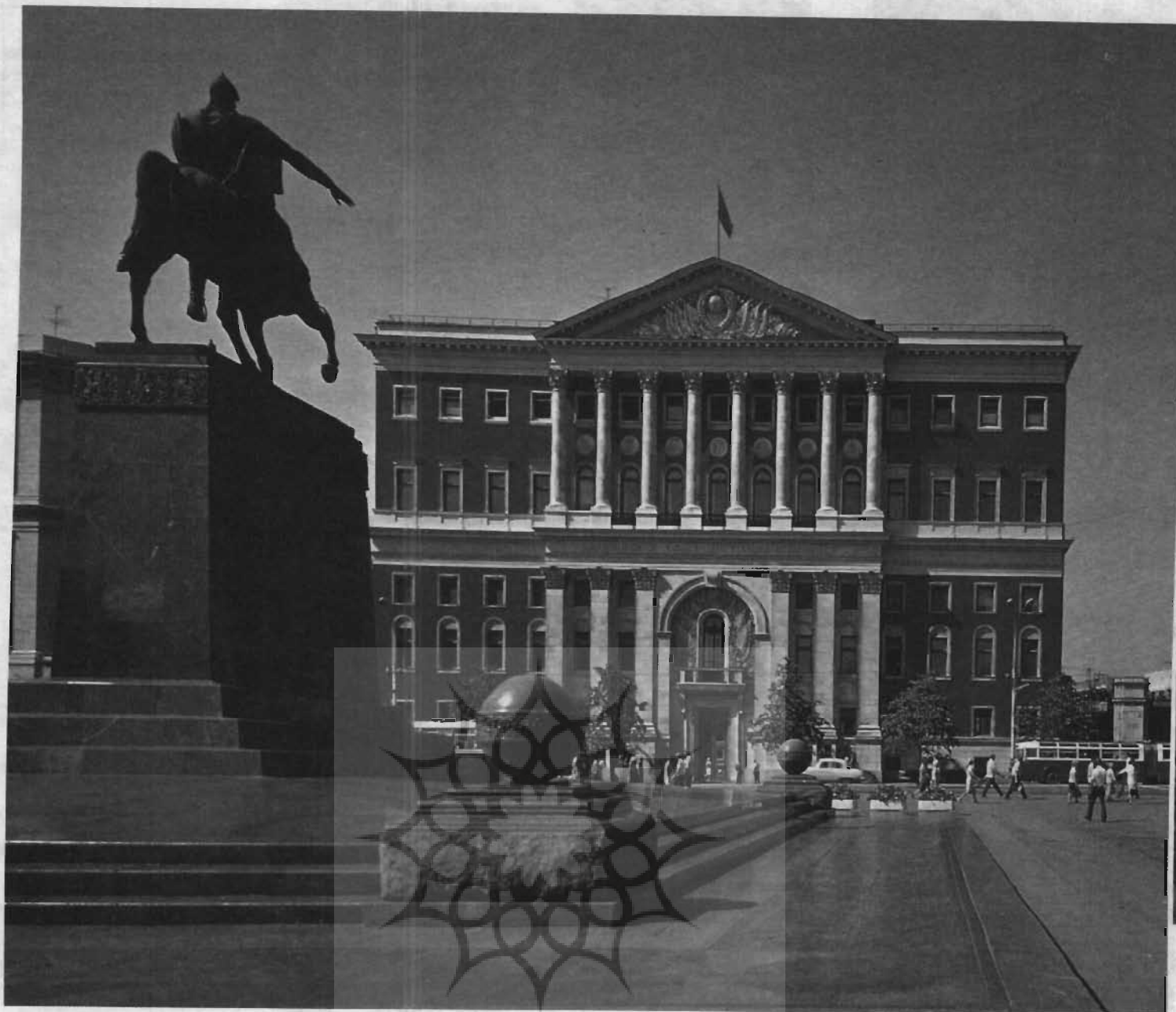
سمت راست خیابان گورکی، یکی از
پررفت و آمدترین خیابانهای مسکو،
مقر اداره تلگراف.

مبارزات ایدئولوژیک اوایل دهه ۱۹۳۰ سبب پیروزی نظریه
«واقع گرایی سوسیالیستی در معماری» بر نظریات «سازندگی
گرایان» طرفدار معماری مدرن — چیزی شبیه سبک معماری
لوکوربوزیه سویسی و مکتب آلمانی باوهاوس — گردید.
در عمل، طرح عملیاتی پیشنهادی موردینوف شامل تعریض
خیابان گورکی و اصلاح مسیر آن بود. بسیاری از ساختمانها که
فاقد اهمیت معماری و هنری بودند خراب شدند و در سبک
رسمی تازه جای خود را به بناهای معظم دادند: در واقع ترکیبی از
معماری رُسناس ایتالیا و معماری امپراتوری روس پدید آوردند.
اما ساختمانهای دیگر که به لحاظی واجد اهمیت بودند از پی خود
جدا شدند، روی نوعی جرثقیل مخصوص نصب گردیدند، بعد
روی مجموعه‌ای از ریلهای راه آهن قرار داده شده به محلهای
تازه‌ای که برای آنها در نظر گرفته شده بود، منتقل شدند. در
آستانه بروز جنگ جهانی دوم خیابان گورکی حال و هوایی را که
هنوز حفظ کرده است، پیدا کرد و از آن پس «شانزه لیزه مسکو»
لقب یافت.

خوش اشتهای شماره یک

وقتی در خیابان گورکی راه می‌افتیم و از «چشم انداز مارکس» به
سوی شمال تا مقر «شوراهای مسکو» می‌رویم تمامی تاریخ شهر
از برابر دیدگانمان رژه می‌رود. هنگامی که مسکو به پایتختی
برگزیده شد اعضای دولت شوروی و افراد خانواده‌هایشان در
«عمارت ملی» جای گرفتند. ساختمان تکمیلی آن که در حدود ده
سال پیش و به فاصله چند متری ساختمان قدیمی بنا شده، بلندتر
است و به همین سبب خط ردیف بامهای ساختمانها را که در دهه
۱۹۳۰ بنا شدند، برهم زده است. هتل لوکس قدیمی که در
سالهای پیش از جنگ و تا زمان انحلال بین‌الملل سوم در ۱۹۴۳





سالهای آخر دهه ۱۹۲۰ به سبکی کاملاً نوساخته شده است: پنجره‌های آن بر بود از عکس‌ها و گرافیک‌هایی که خیر از فرا رسیدن «روزگار نو» می‌دادند.

در عین حال وجود ساختمانهای قدیمی و بناهای نو امری استثنایی است. زیرا مجموع خیابان گورکی ساخته و پرداخته آرکادی موردینوف و همکاران او است. ساختمانهای خیابان گورکی بیشتر از هر مجتمع ساختمانی در مسکو، بازتاب یک دوره معماری مستحکم است. نشانه پیروزی و درخشش «واقع‌گرایی سوسیالیستی در معماری» است که بارشته ستونهای مرتب و گلوبهای خود که در کاخ لنینگراد به چشم می‌خورند، از کلاسیسیسم ایتالیا و رُنسانس نشأت گرفته است.

اما مجسمه‌هایی که بر فراز این ساختمانها دیده می‌شوند نمایانگر خدایان اسطوره‌ای روم و یونان نیستند. بلکه قهرمانان واقعی یا خیالی نخستین «بسرنامه‌های پنجاهساله» صنعتی و اقتصادی کشورند: کارگران، روستاییان و سربازان ارتش سرخ که در خیابان گورکی کشیک می‌دهند، شاهدان عصری هستند که در طی آن کوشش شد میان معماری و هدفهای اجتماعی آشتی پدید آید.

شهرداری مسکو. در سمت چپ مجسمه پرنس یوری دو لگوروکی بنیانگذار مسکو دیده می‌شود.

رتال جامع علوم انسانی

آناتول گوب، معمار و استاد ممتاز دانشگاه پاریس است. او معماری مدرن و مخصوصاً معماری شوروی را خوب می‌شناسد و چند کتاب منتشر کرده است از جمله: شهر و انقلاب (آنترپو، پاریس، ۱۹۶۷)، و وقتی که مدرن یک سبک نبود بلکه علت بود (مدرسه عالی هنرهای زیبا، پاریس، ۱۹۸۸). کتاب دیگر او با عنوان تاریخ معماری شوروی، ۱۹۱۸ - ۱۹۸۰ در سال آینده منتشر خواهد شد.

از مبارزان کمونیست و کارمندان کمیترین پذیرایی می‌گردد، در همین خیابان است. کمی دورتر، از کنار «خوش اشتهای شماره یک» می‌گذریم که ادویه‌فروشی عالی و لوکس سالهای پیش از انقلاب بوده و در آن خاویار دریای خزر در کنار عصا جگر فرآورده فرانسه یافت می‌شد. صاحب این فروشگاه که لی‌سویف نام داشت، پس از انقلاب به پاریس مهاجرت کرد.

از این فروشگاه که گذشتیم به یک میدان بزرگ چهارگوش می‌رسیم که «مقر شوراهای مسکو» در آن قرار دارد. این ساختمان در قرن هجدهم بر اساس نقشه‌هایی که بزرگترین معمار روسیه یعنی ماتوئی ف. کازاکوف کشیده بود، ساخته شده است. در رویه‌روی آن، ساختمان انستیتوی مارکس، انگلس و لنین قرار دارد که در ۱۹۲۶ ساخته شده است. سبک معماری خشک و بیروح این بنا از نخستین سالهای مدرنیسم در اتحاد شوروی حکایت دارد. این ساختمان همراه با ساختمان اداره تلگراف که آن هم در خیابان گورکی قرار دارد در ۱۹۲۷ همزمان با دهمین سالگرد انقلاب تکمیل شدند.

در این میدان همچنین دو بنای تاریخی وجود دارد: مجسمه‌ای از پرنس یوری دو لگوروکی، بنیانگذار افسانه‌ای شهر مسکو، و اداره روزنامه ایزوستیا (اخبار) که ساختمان آن در